

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار.....
۱۳	دییچه‌ای بر دانش موسیقی و روان‌شناسی.....
۱۳	۱. اهمیت موضوع.....
۱۳	۲. مفاهیم اساسی موسیقی.....
۲۶	۳. روان‌شناسی.....
۲۷	۴. هیپنوتیزم.....
۲۹	بخش اول: موسیقی درمانی در تاریخ.....
۳۱	فصل اول: موسیقی درمانی در تمدنهای بزرگ کهن.....
۳۱	۱. موسیقی درمانی در فرهنگ و تمدن یونان.....
۳۶	۲. موسیقی درمانی در فرهنگ و تمدن روم.....
۳۸	۳. موسیقی درمانی در کتاب مقدس.....
۴۰	۴. موسیقی درمانی در خاور دور و آسیای جنوب شرقی.....
۴۴	۵. موسیقی درمانی در قرون وسطی.....
۴۵	۶. موسیقی درمانی در دورهٔ رنسانس.....
۴۷	۷. موسیقی درمانی در ادیان ابتدایی.....
۶۱	فصل دوم: تکرش موسیقیدانان ایرانی-اسلامی به موسیقی درمانی.....
۶۱	۱. پیش‌درآمد.....
۶۳	۲. نظریه و کنش موسیقایی در دورهٔ ایران باستان.....
۶۶	۳. دیدگاه‌های اندیشمندان دورهٔ اسلامی-ایرانی دربارهٔ موسیقی درمانی.....
۹۹	فصل سوم: موسیقی درمانی در دورهٔ مدرن.....
۹۹	۱. قرن هفدهم تا نیمهٔ قرن هجدهم.....
۱۰۱	۲. نیمهٔ قرن هجدهم تا میانهٔ قرن نوزدهم.....
۱۰۲	۳. قرن بیستم.....
۱۰۴	۴. سازمان ملی موسیقی درمانی.....
۱۰۸	۵. موسیقی درمانی در دیگر کشورها.....
۱۱۱	بخش دوم: رابطهٔ موسیقی و درمان.....
۱۱۳	فصل چهارم: ساختار دستگاه عصبی انسان.....
۱۱۳	۱. دستگاه عصبی مرکزی.....
۱۱۴	۲. دستگاه اعصاب پیرامونی.....
۱۱۴	۳. یاخته‌های عصبی.....

۱۱۷	فصل پنجم: رابطه موسیقی با مغز انسان
۱۲۹	فصل ششم: بررسی تأثیرهای گوناگون موسیقی بر روان
۱۳۱	۱. رابطه موسیقی و فشار روانی
۱۳۲	۲. موسیقی درمانی و تحلیل تبدیلی
۱۳۳	۳. موسیقی و افسردگی
۱۵۹	بخش سوم: موسیقی درمانی
۱۶۳	فصل هفتم: تأثیر موسیقی بر ارگانسیم زنده
۱۶۳	۱. تأثیر موسیقی بر گیاهان
۱۶۵	۲. تأثیر روحی موسیقی بر انسان
۱۷۵	فصل هشتم: تأثیر جسمی و روحی سماع عرفانی بر انسان
۱۷۶	۱. سماع در منظر عارفان
۱۷۸	۲. انواع موسیقی سماع
۱۸۰	۳. اهمیت زمان، مکان و اخوان در سماع
۱۸۶	۴. حقیقت احوالات مختلف سماع
۱۹۲	۵. آیین سلسله مولویه قویه ترکیه
۲۰۰	۶. معابد هند و چین و ژاپن (بوداییان)
۲۰۱	بخش چهارم: هیپنوتیزم و موسیقی درمانی
۲۰۵	فصل نهم: هیپنوز
۲۰۶	۱. تاریخچه هیپنوتیزم
۲۰۸	۲. تعریف و نظریه
۲۱۴	۳. موارد منع استفاده از هیپنوتیزم
۲۱۶	۴. نظریه‌های هیپنوتیزم
۲۲۵	فصل دهم: کاربرد موسیقی در هیپنوتیزم
۲۲۵	۱. تأثیر موسیقی بر ایجاد خلصه هیپنوتیک
۲۲۷	۲. مراحل هیپنوتیزم درمانی
۲۳۴	۳. استفاده از مترونوم در تسهیل تحریف زمان
۲۳۶	۴. موسیقی زبان بار و مفید
۲۴۰	۵. تصویر شخصی و شیوه‌های هیپنوتیزم درمانی
۲۴۱	۶. اهمیت سکوت
۲۴۲	۷. نکات مهم کاربرد موسیقی در هیپنوز
۲۵۱	کتابشناسی

دبیاچه‌ای بر دانش موسیقی و روان‌شناسی

۱. اهمیت موضوع

درمانگر موفق، درمانگری است که از تمام عواملی که می‌تواند فرایند درمان را تسهیل و یا تقویت کند بهره‌بردار. بنابراین به‌سادگی نمی‌توان از عامل مهمی چون موسیقی در هیپنوتیزم گذشت. زیرا بشر بعد از هزاران سال تجربه و آزمون و خطا به چنین امکانی دست یافته است، و صرف نظر از این امکان نوعی سهل‌انگاری و غبن بزرگ به شمار خواهد آمد. نکته دیگر این‌که به نظر می‌رسد با این‌که انسانها سطوح هیپنوتیزم‌پذیری متفاوتی دارند، اما موسیقی می‌تواند ظرفیت هیپنوتیزم‌پذیری را بالا ببرد و یا به حداکثر ممکن برساند. پس از اینجا می‌توان به اهمیت این جمله ابن سینا پی برد که گفته است: «طیب باید موسیقی بداند».

این قسمت اختصاص به ارائه مطالبی دارد که آشنایی اجمالی خوانندگان را با مفاهیم و اصطلاحات اساسی حوزه‌های موضوعی کتاب، یعنی موسیقی، روان‌شناسی و هیپنوتیزم فراهم می‌سازد. چون در این کتاب، به تفاریق بحثهای متنوعی درباره این سه حوزه تخصصی طرح می‌شود و فهم نظریه‌ها و موضوعات کتاب هم مبتنی بر دریافت مفاهیم این حوزه‌ها است تدوین مقدمه‌ای برای ارائه پیش‌زمینه علمی به خواننده ضروری می‌نمود.

۲. مفاهیم اساسی موسیقی

صدا

یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین اصطلاحات دانش موسیقی مفهوم «صدا» است. در واقع ماده اولیه شکل‌گیری موسیقی را صدا فراهم می‌سازد. روح‌الله خالقی در کتاب

نظری به موسیقی (۱۳۴۱) «صدا» را چنین تعریف می‌کند: «... از ارتعاش اجسام صدادار حاصل می‌شود، ارتعاشات جسم صدادار در هوا تولید امواجی می‌کند و این موجها هوا را مرتعش کرده صدا را به گوش ما می‌رساند. پرده صماخ که در داخل گوش واقع شده از اثر ارتعاشات هوا لرزیده، صدا در گوش ما تولید می‌کند و ما صدایی [را] که حادث شده می‌شنویم» (خالقی، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۶). اما دکتر یدالله ثمره در کتاب *آواشناسی زبان فارسی* (۱۳۸۱) از «موج صوتی» که موضوع بحث اصلی دانش موسیقی و همچنین آواشناسی است چنین تعریفی ارائه می‌دهد: «آوا یا صوت از ارتعاش مولکولهای هوا حاصل می‌شود. ارتعاش یعنی حرکت مولکولهای هوا از جای خود در مسیر معین و بازگشت آنها به جای اولیه» (ثمره، ۱۳۸۱، ص ۳).

در موسیقی «صداها» یا «آواها» را به دو دسته مختلف تقسیم می‌کنند: ۱) صداهایی که انرژی تولید آن از برخورد اجسام به یکدیگر و جابه‌جایی مولکولهای هوا حاصل می‌شود. ثمره بر این باور است این جابه‌جایی مولکولها اگر بیش از شانزده مرتبه در ثانیه تکرار گردد، انرژی جنبشی مولکولها به انرژی صوتی تبدیل شده و صدا یا آوا به وجود می‌آید (همان، ص ۴). اما خالقی، از استادان و موسیقیدانان بزرگ کشور مسئله را از نظر علمی به گونه دیگری بیان می‌کند: «... ما صدایی را می‌شنویم که در ثانیه از ۳۲ نوسان کمتر و از ۷۵۵۲ نوسان بیشتر نداشته باشد» (خالقی، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۷).

به هر حال این گونه صداها را که از برخورد اجسام با مولکولهای هوا تولید می‌شود «صداها» غیرموزیکال یا «صداها» طبیعی می‌نامیم. ۲) دسته دیگر از صداها آنان است که یا با دستگاه صوتی انسان ساخته می‌شود و از نای اش خارج می‌گردد یا به وسیله سازهای موسیقی می‌نوازند. این نوع اصوات را «صداها» موزیکال یا «صداها» موسیقایی می‌نامند.

موسیقی

«موسیقی» در زمره هنرهای زیبا است و به مجموعه دانشها و فنونی گفته می‌شود که انسان به کمک آنها و سازها صداها را با بسامد (فرکانس)های منظم و با کششهای

فصل اول: موسیقی درمانی در تمدنهای بزرگ کهن

قر دیرباز، یعنی از هزاران سال پیش از پیدایش تمدنهای بزرگ آسیایی و یونان، انسان دریافته بود که موسیقی آلام و دردهای روحی و جسمی را چون آب روان می‌شوید و با خود می‌برد. همین نگرش بخشی از باورهای پیشینیان بود بی‌آنکه بر آگاهی علمی و تجربی معتبری استوار باشد. همین باور در هزاره‌های پیشین که تمدنهای بزرگی چون تمدن چین، هند، ایران، یونان، مصر و بین‌النهرین شکل گرفت در تنورهٔ بحثهای فلسفی و علمی پخته‌تر شد، هرچند هنوز خاستگاههای تجربی آن به درستی شناخته شده نبود. اینک در این فصل برآنیم تا به گونه‌ای گذرا نگرش همین تمدنهای بزرگ را به تأثیر موسیقی بر درمان بیماریهای جسمی و روحی انسان بررسی کنیم. از همین رو هر یک از بخشهای فرعی این فصل گزارش کوتاه و فشرده‌ای است از منظر تمدنهای قدیم به موسیقی و رابطهٔ آن با درمان.^۱

۱. موسیقی درمانی در فرهنگ و تمدن یونان

واژهٔ «موسیقی» (موزیک)^۲ در فرهنگها و زبانهای مختلف معمولاً تحت تأثیر فرهنگ یونانی، مطابق با ریشهٔ اصلی خود به کار می‌رود. زیرا در دادوستدهای فرهنگی دوره‌های گذشته و جدید، به گونه‌ای که برخی از تاریخ‌نویسان علم باور دارند، دوست یا غلط، راه دانش و فلسفه از یونان می‌گذرد. اما، معنای «موسیقی» در نگاه

۱. گزارش کوتاهی که در این فصل ارائه می‌شود برگرفته از ترجمهٔ منتشرنشدهٔ اثر زیر است:

Mircea, Eliade, 1987, "Music and Religion", In *The Encyclopedia of Religion*, New York, Macmillan Publishing Co; London, Collier Macmillan Publishers, 16 Vol..

۲. موزیک (mousike)، همان «الههٔ هنر» در اعتقاد یونانیان قدیم است.

یونانیان فراتر از هنر آوازخوانی و سازنوازی می‌رود و مفهوم وسیعی می‌یابد که گستره معنایی آن می‌تواند مفاهیم گوناگونی چون تعلیم و تربیت، علم، رفتار شایسته و نیز خواندن آواز و نواختن ساز را دربرگیرد.

در قرن هشتم و ششم ق.م، در سرزمین تراکیه باورهای اورفئوسی ظهور کرد، نهضتی عارفانه که اورفئوس^۱، موسیقیدان افسانه‌ای، بانی آن به‌شمار رفت. گرایش دینی دیگری که آن نیز در تراکیه پیدا شد و با آیین اورفئوسی رابطه‌ای تنگناگ داشت، کیش دیونیسوس بود که پیروان آن خدای خود دیونیسوس-باکوس^۲ را با نوشیدن شراب و آوازخوانی در سرمستی لجام‌گسیخته‌ای نیایش می‌کردند. با آغاز قرن پنجم ق.م و بعد از آن، بر اثر فلسفه‌های فیثاغورس موسیقی به طور جدی مورد توجه یونانیان واقع شد.

اصول موسیقایی یونانیان

یونانیان از دیرباز به نظریه موسیقی توجه داشتند و به دنبال علاقه فیثاغورس به جنبه‌های فلسفی-ریاضی موسیقی، پیوسته خود را با آن مشغول می‌ساختند. مهمترین کار برجسته آنان، اکتشافهای صوتی بود که اساس پیشرفت موسیقی غربی را فراهم آورد. یونانیان از تنها، صوتها و وزنهای بی‌شماری که طبیعت پیرامون بشر احاطه کرده است، شمار معدودی را برگزیدند و مطابق اصل هماهنگی (هارمونی) آنها را طبقه‌بندی کردند. در نظریه موسیقی یونانی، مراد از هارمونی (harmoniai)، تقسیم‌بندی متنوع هنگام (اوکتاو) به گام است.

۱. اورفئوس - بانی این مکتب - نوازنده‌ای ساحر بود که رشته عقاید دیونیسوس را تأسیس کرده است.

۲. دیونیسوس - باکوس (Dionysus-Bacchus)، از خدایان تراکیا بودند.